

سرنوشت مذاکرات صلح ؟

قرار است مذاکرات صلح با وساطت دولت شوروی در مسکو ادامه یابد

گردید. طرح مزبور که تا حدودی اصلاح شده طرح سابق دبیر کل بر مبنای نظرات دولت ایران بود مورد موافقت ایران قرار گرفت ولی نماینده دولت عراق با موضوعی مخالفت جویانه نسبت به طرح و ارائه خواست های غیر منطقی به شکست مذاکرات و به بن بست رسیدن آن کمک نمود. طرح اصلاحی پیشنهادی دبیر کل مبتنی بر عقب نشینی هم زمان نیرو با امر آزادی اسرای

بعد از پایان مذاکرات بی نتیجه ماه گذشته وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک که تحت نظارت دبیر کل سازمان ملل متحد آقای پرز دکوئیار صورت گرفت بار دیگر بعد از یک وقفه کوتاه در جریان ادامه مذاکرات صلح قرار است که این مذاکرات مجدداً سر گرفته شود. مذاکرات ماه گذشته وزرای خارجه دو کشور ایران و عراق در نیویورک در چارچوب و برپایه طرح پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل آغاز

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۸ برابر با ۲۵ نوامبر ۱۹۸۹
بسمه عزریال سال ششم شماره ۲۸۹

اندیشه ها و برداشتها

در صفحه ۶

نمایش "ثبات" و سماجت در نادیدن مردم

درسی که رژیم آخوندی از چائوشسکو می گیرد

خواهان و همه دیکتاتورها، اهم از آنکه حکمران هر نوع رژیمی باشند یا اصلاً حکمران رژیمی باشند یا نباشند، از این زمره بوده اند. جمهوری اسلامی رژیمی است بقایت دیکتاتور و کهنه خواه. پس تصادفی نیست اگر فریاد و وحشتش پیشتر از سایرین بلند شود و چنین هم شده است.

تکانه وقایع رومانی و نظیر آن بر موجودیت رژیمهای دیکتاتوری برای جمهوری اسلامی با یک "آبروریزی" نیز همراه بقیه در صفحه ۳

آیا کسی هست که از آنچه که در ماه گذشته در رومانی اتفاق افتاد هراسان نشده باشد؟ آری هر دوستدار آزادی و دموکراسی، و هر آن کس که سوسیالیسم را همچون نظامی سرشار از امکانات برای تعالی آزاد و همه جانبه تک تک افراد جامعه سوسیالیستی می خواهد، نه تنها از وقایع مذکور هراسان نشده بلکه شادمان هم شده است. چنین کسانی کم نیستند. اما همچنین هستند کسانی که وقایع رومانی در آنها تنها وحشت برانگیزه است. تمام کهنه

افشاگری منتظری علیه باندهای حاکم

اجتماعی مردم بود. و درست همین اشارات بود که بمثابة تجلی لیرالیزم و ضدیت با ولایت فقیه، مورد مواخذه تخطئه گرانه باندهای حاکم قرار گرفت. خامنه ای، روز دوشنبه ۱۸ دیماه، طی پیام ویژه ای خطاب به "نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ملت ایران"، بر خدشه ناپذیری اصل ولایت فقیه و لزوم وفاداری نهادهای حکومتی و اتحاد مردم به این اصل تاکید کرد و خواستار یکپارچگی حکومتیان و "حفظ اعتماد میان ملت و دولت" شد. او از نمایندگان مجلس خواست که با وفاداری و دلبستگی به ولایت فقیه و حمایت مجدد از دولت،

بدنبال سخنرانی افشاگرانه آیت اله منتظری در حوزه علمیه قم علیه سیاست ها و عملکردهای جانشینان خمینی، موجی از اضطراب و تشنج پیکره رژیم آخوندی را فرا گرفت. سران رژیم، با افتخار فرصت از اجتماع حاضر در نماز جمعه قم، تظاهراتی را که متشکل از عوامل حزب الهی وابسته به حکومت بود سازمان داده و با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لبرال" به سوی محل اقامت منتظری گسیل کردند.

آنچه که در سخنرانی منتظری مورد افشاء قرار گرفت استبداد و خودکامگی سران رژیم و دست اندازی گستاخانه عوامل حکومتی به حریم حقوق فردی

در این شماره

برای فعال تر و دموکراتیزه تر کردن نشریه اکثریت

در صفحه ۷

ادامه ناآرامی ها در آذربایجان شوروی

در صفحه ۱۲

تهران، پایتخت دوپست ساله

در صفحه ۸

خبرها و نظرها

بقیه در صفحه ۹



"روتی" بازار ارزا

افشاگری منتظری علیه باند های حاکم

بقیه از صفحه اول

در برابر خمینی، بتدریج موجب افزایش نفوذ اجتماعی او در نیروهای درون و پیرامون حاکمیت شده است. چنانچه خمینی اینک با رقیب بالقوه نیرومندی که در شرایط معینی پتانسیل تبدیل شدن به اکثریت باالفعل را دارد، مواجهند. برخلاف ارزیابی رژیم، تخطئه منتظری با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" نه تنها اورامنوی نمی کند بلکه نفوذ اجتماعی و سیاسی اش را نیز بتدریج افزایش می دهد. اما امروز، رژیم برای تخفیف اختلافات و منازعات درونی باند های حاکمه به بسیج تبلیغاتی - روانی نیروهای حکومتی نیز سخت نیازمند است. اختلافات درونی جناح های حاکمه، اختلافات ناشی از کشاکش های سیاسی جاری و نیز بی کفایتی مجموعه آنها در مهار بمران اقتصادی کشور، آسیب پذیری رژیم را در برابر انتقادات مخالفان حاکمیت بویژه منتظری، افزایش داده است.

اعتراضات منتظری به سران رژیم این امکان را نیز در عین حال داده است که باند های مختلف درون حاکمیت را در مقابل نیروی خارج از حکومت قرار دهد و با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" اختلافات و منازعات درونی حاکمیت را تحت الشعاع قرار داده و تا حدی تخفیف دهد.

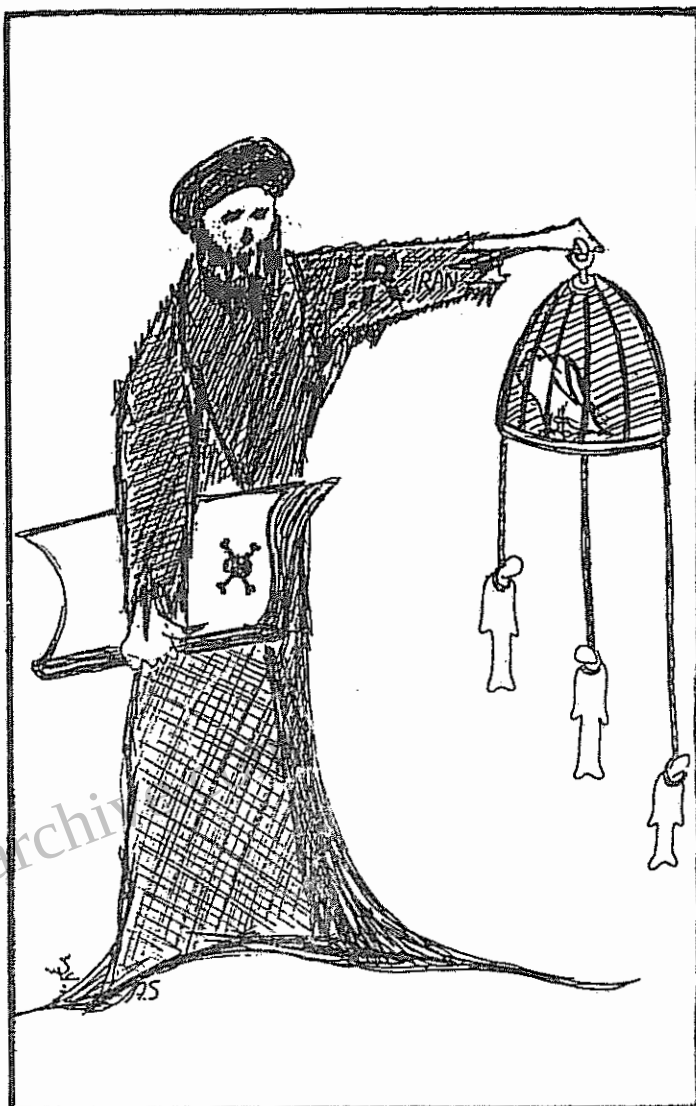
اما حربه ای که رژیم برای مقابله با منتظری و طرفداران او بکار گرفته است تیغه ای است دوله که یک روی آن متوجه خود اوست، محتشمی ها و رفسنجانی ها می توانند در برابر یک تهدید بیرونی، به حیل المتن کذائی "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" چنگ اندازند. اما تمسک به این طناب پوشیده، نه تنها معتقدین متعصب ولایت فقیه چون محتشمی ها را بلکه مصلحت اندیشان مدعی اصلاحات اقتصادی و سیاسی در چارچوب ولایت فقیه همچون رفسنجانی ها را نیز به چاه هلاکت و ذلت خواهد افکند.

مشت محکمی بر دهان "تفرقه افکنانی که اضطراب و نومییدی می پراکنند"، بگویند. او بیمناک از نفوذ کلام منتظری در میان نیروهای درون و پیرامون حاکمیت، به جناح های مختلف حکومتی هشدار داد که: "دشمن چشم به تفرقه در میان مسئولین دارد. امروز تاکید بر وحدت ضروریست. مخصوصا نمایندگان مجلس باید بدقت مراقب باشند که مبدا اظهارات آنها نومییدی و یاس را در سطح جامعه پراکنده سازد."

در پی تظاهرات فرمایشی هوامل حکومتی علیه منتظری، و بی حرمتی سران رژیم نسبت به وی، تظاهراتی نیز بنفع منتظری در شهر نجف آباد صورت گرفت و بنابه برخی گزارشها، دامنه اعتراض به شهر اصفهان نیز کشیده شد.

برخی از روحانیون نیز طی اطلاعیه ها و بیانیه ها، امانت به منتظری را محکوم کرده و از او حمایت نمودند.

در مقابل، پیام های تأیید آمیز متعددی در حمایت از خامنه ای و تاکید بر ضرورت پایبندی بر اصل ولایت فقیه، از جانب ارگانها و هوامل حکومتی صادر شد. حساسیت سران رژیم در برابر انتقادات منتظری نسبت به حاکمیت و بسیج تبلیغاتی وسیع آنها در برابر آن، از جنبه های مختلف قابل توضیح است. نخست آنکه اضطراب آنها واقعی است. منتظری نه شریعتمداری است، نه بازرگان و نه بنی صدر، او هلیرفم آنکه از دایره قدرت حاکمه بیرون است، از پایگاه اجتماعی قابل توجهی در میان نیروهای درون و پیرامون حاکمیت برخوردار است. او از پایه گذاران اصلی جمهوری اسلامی بوده و پس از خمینی شاخص ترین چهره جریان منتسب به خمینی است. مضافا اینکه سابقه اعتراضات او به سیاست ها و عملکردهای رژیم به مخالفت های اخیر او محدود نمی شود. انتقادات صریح و آشکار او از سیاست های رژیم خمینی در زمان حیات او، اعلام موضع علنی اش علیه کارنامه دهساله رژیم ولایت فقیه و امتناع از ابراز ندامت



بر ملامت فساد و دزدی در دستگاه دولت

میلیون دلار قرار بوده توسط فرد مزبور جهت خرید لوازم مورد ضرورت شرکت مخابرات از کنسرن آلمانی "زیمنس" مورد استفاده قرار گیرد که وی این مبلغ را به حساب شخصی خود در یکی از بانک های خارجی واریز نموده و به یکی از کشورهای گریخته است. میزان مبلغ سرقت شده، مسئولیت سارق و مکتوم ماندن هویت او نشان دهنده این است که فرد مزبور باید یکی از دست پروردگان مورد حمایت دولتمردان جمهوری اسلامی باشد که افشای نام آن بعد از بر ملامت این دزدی می تواند دامن برخی از این دولتمردان را نیز آلوده سازد.

گسترده فساد و دزدی در دستگاه دولتی رژیم فقها بعدی است که هراز چند گاهی گوشه هایی از این فسادها و فارتگری های هوامل و دست اندرکاران حکومتی به ناچار برملا می گردد.

از جمله اختلاس ها و دزدی های جدید باید، دزدی یک میلیون دلاری در اداره مخابرات را نامبرد که مسئولین امر از اعلام نام و مشخصات مجرم تاکنون خودداری کرده و فقط به بیان این مطلب اکتفا کرده اند که دزدی مزبور توسط یکی از کارمندان مسئول بخش خرید های خارجی شرکت مخابرات صورت گرفته است.

گفته شده است که مبلغ یک

داده‌ها یکی از راههای ایجاد مصونیت در برابر دگرگونی‌هاست.

و "باید برای ایجاد مصونیت در برابر دگرگونی‌های سریع با مکانیزم ارتباطات آشنا شد، از محتوایی که در کانالهای ارتباطاتی جاریست مطلع شد و از میان آن‌ها به داده‌گزینی اقدام کرد". پس او در پروای مصونیت در برابر دگرگونی‌های پرشتاب است و راه‌آنها را هم ارسال و دریافت صحیح داده‌ها و ... اقدام به "داده‌گزینی" می‌داند. اما گویا مفسر فراموش کرده است که کمی بالاتر به این سؤال که "از این داده‌گزینی چه حاصل؟" چنین پاسخ گفته است: "... آنچه در برابر دیدگان مردم بلوک شرق قرار می‌گرفت، تنها تصویری بود که از توهّمات دواير حاکم بر آنان گرفته شده بود. این تصاویر هیچ رنگی از واقعیت نداشتند ... رسانه‌ها نه تنها برای مردم خود دستور نحوه بحث در باره مسائل بین‌المللی را تهیه می‌کردند، بلکه برای افکار عمومی در صحنه بین‌المللی نیز به انگاره‌سازی می‌پرداختند". و سپس افزوده است: "اما به هر حال واقعیت از تاریکی بیرون آمد".

به این ترتیب مفسر کیهان می‌کوشد به جمهوری اسلامی حالی کند که سقوط چائوشسکو را درسی برای خود بشمار آورند. اما نسخه درمائی که او تجویز می‌کند چیزی جز تداوم آنچه که بیش از ده سال توسط جمهوری اسلامی پیش برده شده است نیست. او فقط طالب ابزارهای مدرن‌تر برای پشبرد همان سیاست کهنه ایست که بقول خودش "شربندی براسب مرده است".

او دریافته است که دعوای جمهوری اسلامی از چائوشسکو و پذیرایی گرم از او در تهران، تنها چند روز پیش از سرنگونی او، نه تنها یک اتفاق ساده که یک مقارنت نمادین نیز بوده است که از آینده جمهوری اسلامی خبر می‌دهد.

نمایش "ثبات" و سماجت در نادیدن مردم

درسی که رژیم آخوندی از چائوشسکو می‌گیرد

کنونی بجای داشتن ارتباط با یک دولت در یک دوره طولانی زمانی با تغییر پیاپی حکومتها در یک دوره کوتاه زمانی مواجه هستیم، این شتاب ثبات موقعیت‌های سیاسی را محدود می‌کند و این موقعیت‌های سیاسی با سرهتی بر مراتب بیشتر از گذشته از چنگ دواير تصمیم‌گیرنده سیاسی می‌گریزند. "بعلاوه دگرگونی سریع سیاسی به شیوه زیست روابط بین‌المللی تبدیل شده است بنحوی که هر اتفاق ظاهراً ساده بسختی ممکن است در یک محدوده جغرافیایی بجاند و می‌تواند با شتاب به ساختار درهم تنیده روابط بین‌المللی منتقل شود". مفسر کیهان عقب ماندن از شتاب دگرگونیها را عامل طوفان‌های سیاسی بشمار می‌آورد و از همین زاویه تحولات کشورهای سوسیالیستی را توضیح می‌دهد. صرفنظر از اینکه این تفسیری محدود و مبهم از تحولات مذکور است، می‌توان تا اینجا با مفسر کیهان موافق بود. اما او در پروای یافتن راههای دماسازی با این دگرگونیها، استقبال از این دگرگونیها و شتاب آنها نیست. او در پروای راهیابی برای "مصونیت در برابر دگرگونیها" است. او می‌پرسد: "چاره مقابله با دگرگونیهای سریع در کجا نهفته است؟" و پس از اخطاری نسبت به نقش توان "اطلاعات و داده‌ها"، که "از مرزهای ملی می‌گذرند و مجال چاره‌جویی را به حداقل می‌رسانند و کارآیی‌شان به حدی است که می‌توان مفاهیمی چون حاکمیت ملی و اقتدار ملی را دستخوش تغییر کند"، به سوال فوق چنین پاسخ می‌گوید: داشتن برنامه دقیق برای تلفیق زیرساختهای قوی ارتباطی و تکنولوژی مدرن ارتباطی به منظور ارسال و دریافت صحیح

این دلیل که می‌توان و باید امیدوار بود - و طلبید - که تحولات مذکور به بازبینی انتقادی همیق مناسبات تا کنونی این کشورها با رژیمهایی از زمره جمهوری اسلامی بیانجامد که جزا هم انجامیده‌اند. روشن است که سیاست خارجی مبتنی بر حقیقت و بنا بر این اخلاقی "علیه جمهوری اسلامی هاری از حقیقت و اخلاق عمل کند.

اما در آن ایام هنوز رومانی "با ثبات" می‌نمود. چائوشسکو نه تنها به تحولات نپیوسته بود، علم مخالفت با آنها را نیز برافراشته بود. با این ترتیب "مودت" جمهوری اسلامی و رژیم چائوشسکو بیش از پیش بستر مناسبی یافته بود. آنروزها جمهوری اسلامی اتحاد پایداری را با رژیم مذکور، و یکی دو کشور سوسیالیستی دیگر نیز، حس می‌کرد.

حالا دیگر نشانی از آن روابط مودت‌آمیز باقی نیست. تنها در عرض یک هفته طوفانی، یکی از متحدین پایدار جمهوری اسلامی از دست او رفت و این نمی‌تواند تلاطم را دامن نزنند. نمی‌تواند موجب هراس رژیم نشود.

تفسیر سیاسی کیهان مورخ ۲ دی زیر عنوان "از نیمه دهه هشتاد تا رومانی دیشب: تحولات پرشتاب بین‌المللی، نگرش سیاسی یا نگره ارتباطی؟" نشانه این هراس است. محاصل کلام مفسر کیهان این است که "امروزه دگرگونیهای سیاسی شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته‌اند و در عصر

بود. چائوشسکو تنها چند روز پیش از برچیده شدن بساطش میمان رسمی جمهوری اسلامی بود. در ایران، تجلیل شایانی از او شد، چائوشسکو هم بنوبه خود از "معجزه پیروزی انقلاب اسلامی" و قهر دم زد، و چه بسا "هتدهای مودت" که بین دو رژیم بسته نشد. امروز، دولتمردان جمهوری اسلامی کوشش فراوانی برای رفع و رجوع این آبروریزی بخرج می‌دهند؛ اما این تنها صورت ظاهر تشریف‌رژیم از وقایع رومانی است. هلیرفم اینکه دولتمردان می‌کوشند خود را به رفع و رجوع همین صورت ظاهر محدود کنند و با تعویض سفیر ایران در رومانی گریبان خود را رها کنند، مطبوعات آن - این "وجدانهای آگاه و جان‌های بیدار" رژیم - نشانه‌های بسیاری از کنه تلاطم آنان را آشکار می‌کنند. نخستین نشانه‌های این تلاطم ماهی پیش از سرنگونی چائوشسکو بروز کردند؛ زمانیکه مطبوعات رژیم تحولات کشورهای سوسیالیستی را روندهایی علیه اسلام و انقلاب اسلامی ارزیابی کردند. آنها چنین تحلیل کردند که "روندهای مذکور موجب رفع اختلافات شرق و غرب شده و به این دو امکان می‌دهد که مشترکاً علیه جمهوری اسلامی توطئه کنند".

صرفنظر از خود محور بینی حاکم بر نگرش و تحلیلهای "تحلیل‌گران" جمهوری اسلامی که در هر واقعه‌ای، ولو در دور دست دنیا نیز، توطئه‌ای علیه جمهوری اسلامی و یا پیروزی اسلام‌رایی جویند، می‌توان قویاً آنان موافق بود که تحولات کشورهای سوسیالیستی علیه جمهوری اسلامی است. حداقل به



هواشناسی دیکتا توری

در هفته گذشته در رومانی فاش شد که چائوشسکو، دیکتاتور سرنگون شده به اداره هواشناسی کشور دستور داده بود که به هیچ‌رو دمای هوا را حتی در سردترین روزهای زمستان، کمتر از ۵ درجه زیر صفر اعلام نکنند. به اعتقاد دیکتاتور اعلام درجه واقعی هوا ممکن بود مردم را به یاد کمبود مواد سوختی بیندازد و منجر به "اناراضی تراشی" شود.



بیکاری، بلا تکلیفی و انتظاری بی چشم انداز برای تامین شغل

ادغام نیروهای انتظامی

عبدالله نوری وزیر کشور حکومت در مراسم معارفه استاندار جدید استان مازندران اعلام کرد بر طبق مصوبه جدید دولت که به مجلس جهت تصویب فرستاده شده است امر ادغام نیروهای انتظامی بزودی اجرا خواهد شد.

وزیر کشور در همین سخنان متذکر شد که وزارت کشور آماده است تا بلافاصله بعد از تصویب لایحه ادغام نیروهای انتظامی از سوی مجلس، اجرای آنرا به همده گیرد.

در توضیح دلایل ادغام نیروهای انتظامی کشور و تشکیل سازمان واحد از آنها هم وی و هم رفسنجانی مدعیند که این امر در جهت تامین رفاه حال مردم و برخورد قاطع با جرائم و تخلفات است.

باید خاطر نشان کرد امر تمرکز در ارگانهای حکومت اسلامی به دلیل وجود سازمانها و نهادها و ارگانهای موازی از مدتها پیش مطرح و یکی از مشغلهها و معضلات جدی دولتمردان حاکم بوده است.

در این مورد باید به سرنوشت لایحه ادغام نیروهای نظامی کشور اشاره کرد که هلیرفم تصویب آن در مجلس و دخالت متنفذترین سران حکومتی برای هملی ساختن آن و با وجود گذشت چند ماه از تصویب آن، همچنان در مراحل اولیه اجرا قرار دارد.

بنابر ادعای نوری در صورت تصویب لایحه ادغام نیروهای انتظامی در مجلس، نیروهای کمیتههای انقلاب و شهرستانی در یکدیگر ادغام می شوند و سازمانی تازه بنام "پلیس انقلاب" تأسیس خواهد شد.

انتصابات جدید حکومتی

در طول دو هفته اخیر انتصابات جدیدی از سوی مقامات مختلف رژیم صورت گرفت که از جمله این انتصابات برگمارده شدن ری شهری به ریاست دادگاه روحانیت از سوی "رهبر" حکومت می باشد.

خامنه ای در حکم انتصاب ری شهری ضمن قدردانی از ریاست قبلی دادگاه روحانیت که در اختیار آخوند دیگری بنام فلاحیان بود، به تجلیل و تمجید از "صلاحیت های علمی و هملی" و "منزلت شایسته" وی پرداخته و از نامبرده خواستار برخورد قاطع در برخورد با روحانیون متخلف و کجروی های آنان شده است.

حکم انتصاب ری شهری از این زاویه قابل تأمل است که در ماه های اخیر بعثت تشدید اختلافات در دستگاه حکومتی و گسترش آن در بدنه دستگاه روحانیت امکان بروز هملی ناراضیاتی در مجموعه بدنه این دستگاه علیه باند های حاکم آشکار شده است.

ضمناً در حکم دیگری از سوی خامنه ای که در تاریخ ۱۲ دی ماه صادر شد هلیرفا افشار به سمت فرمانده نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران منصوب گردید. در این حکم گفته می شود که این انتصاب بنابه پیشنهاد محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران صورت گرفته است.

اعتراف به افزایش قیمت کالاها

جدید ارزی حکومت، دلان ارز بازار خرید و فروش ارز را کم صرفه تر از بازار کالا یافته و از اینرو به این بازار هجوم آورده و باعث افزایش قیمت کالاها شده اند.

بر پایه اظهارات همین کارشناسان این افزایش قیمت نه تنها در کالاهای غیر ضروری بلکه در کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نیز صورت گرفته است.

این کارشناسان می گویند که در ظرف یک هفته در یک مورد قیمت اتومبیل های رنو و پیکان دویست هزار تومان افزایش داشته است.

بدنیل جازو جنجال های دولتمردان در مورد سیاست های ضدتورمی و مبارزه با گرانی و احتکار و کاهش نرخ تورم در کشور، کارشناسان اقتصادی خود رژیم مجبور به اعتراف گردیدند که سیاست های ضدتورمی اخیر دولت نه تنها باعث کاهش نرخ تورم نگردیده بلکه به افزایش نرخ تورم و گرانی بیشتر منجر شده است.

کارشناسان اقتصادی رژیم علت افزایش قیمت کالاها را در هفته های اخیر روی آوردن دلان ارز به بازار کالا ارزیابی کرده اند. این کارشناسان معتقدند که به علت سیاست های

اعلام میزان تخصص ارز پزشکی به بیماران

رئیس شورای پزشکی در همین زمینه نیز اعلام داشت که در صورت تشخیص بالاتر بودن هزینه های درمان از حدارز تعیین شده، بقیه ارز مورد نیاز بیماران بصورت ارز خدماتی در اختیار آنان قرار می گیرد.

طبق اظهارات رئیس شورای پزشکی تعداد متقاضیان اعزام به خارج جهت معالجه در ظرف شش ماه اول سال جاری حدود بیست هزار نفر بوده که در این مدت با اعزام یک هزار نفر آنان موافقت شده است.

گفته می شود اکثر متقاضیان برای اعزام به خارج مبتلا به بیماری قلبی و چشم می باشند، نامبرده همچنین مهلت رسیدگی به پرونده های بیماران متقاضی به اعزام خارج را دو ماه اعلام کرد که این مهلت از زمان تشکیل پرونده افراد متقاضی نزد شورای پزشکی آغاز می شود.

دوشنبه هفته گذشته رئیس شورای پزشکی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی میزان ارز تخصص داده شده به هر بیمار را که معالجه آنها در داخل کشور امکان پذیر نباشد اعلام کرد.

نامبرده در این مصاحبه گفت: "میزان ارز پرداختی به بیماران با توجه به نوع بیماری و شدت و ضعف آن و کشوری که بیمار تقاضای سفر به آنجا را دارد، متفاوت است و براساس جدول مدونی به بیمار پرداخته می شود."

وی در مورد میزان ارز تخصص داده شده افزود: "این مبلغ برای جراحی های چشم از ۴ تا ۸ هزار دلار، برای جراحی های قلب از ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار و برای نازائی حدود سه هزار دلار و برای برخی بیماری ها نظیر پیوند مغز استخوان مبالغ بیشتری پرداخت می شود."

سرنوشت مذاکرات صلح ؟

طرفین و هدم پاسفگوئی صریح به مسائل اصلی مورد اختلاف است. طرح پیشنهادی، رژیم عراق، بار دیگر آزادی اسرای جنگی را مقدم بر اجراء سایر بندهای قطعنامه ۵۹۸ دانسته و ضمناً در این زمینه نیز مبهم است.

خواست آزادی اسرای جنگی طبق کنوانسیون های بین المللی منجمده معاهده ژنو در این مورد نه تنها اقدامی قانونی و مطابق مقررات و عرف و عادات بین المللی است بلکه و مهمتر از آن یک اقدام انسانی و بشردوستانه است که اجرای فوری و بی درنگ آن بدون در نظر داشتن مصالح و منافع سیاسی، ضرور و یکی از معیارهای بارز تعهد این رژیم هابه حقوق بشر و امر صلح است.

متأسفانه علیرغم برخی واقعیت های انکارناپذیر و منافع ملت های دو کشور و منطقه، برخی از رژیم های هری و منطقه با حمایت یک جانبه از رژیم عراق بر پیچیدگی اوضاع و ادامه تنشهای سیاسی موجود می افزایند. هم در ادعای ابطال قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر از جانب عراق و اعلام حاکمیت این دولت بر "اروند رود" و هم در ارتباط با پیشنهاد های جدید رئیس جمهور عراق برخی از سران این کشورها ضمن حمایت از رژیم عراق به ایراد فشارهای سیاسی بر رژیم ایران دایر بر قبول خواسته های رژیم عراق اقدام کرده اند.

واقعیت این است که ادامه وضعیت کنونی و تداوم شرایط نه جنگ و نه صلح نه تنها منافع خلق های دو کشور ایران و عراق را که خواهان صلحی پایدار و برقراری آرامش و ثبات در مرزهای دو کشور هستند، تأمین نمی کند بلکه به زیان منافع کشورهای منطقه نیز می باشد. آخرین گزارش ها، درباره سرنوشت مذاکرات صلح ایران و عراق حاکی از آن است که وزرای خارجه ایران و عراق قصد دارند در تلاش تازه ای که به ابتکار دولت شوروی صورت گرفته مذاکرات خود را در مسکو با میانجی گری وزیر امور خارجه این کشور آغاز کنند.

بند دوم پیشنهادی بر مبادله فوری اسیران معلول و بیمار و همچنین اسیرانی که در سال های اولیه جنگ به اسارت طرف مقابل در آمده اند تحت نظر صلیب سرخ بین المللی دلالت دارد.

در بند سوم خواسته شده است که دفاتر هواپیمائی ملی ایران و عراق در تهران و بغداد گشوده شوند و پروازهای مسافری بین پایتخت های دو کشور از سر گرفته شود.

بعد از اعلام طرح سه ماده ای رئیس جمهور عراق دبیر کل سازمان جامعه عرب طی سخنانی حمایت و پشتیبانی خود را از "طرح" اعلام کرد و از رژیم ایران خواست که مذاکرات خود را بر پایه "پیشنهادهای جدید" رئیس جمهور عراق دنبال نمایند. برخی از کشورهای هری نیز مانند مصر، اردن و کویت نیز بلافاصله به اعلام حمایت از مواضع "جدید" دولت عراق پرداختند و آن را مبنای مناسبی برای حل اختلافات و مناقشات دو طرف دانستند.

در واکنش به پیشنهاد اخیر صدام وزارت خارجه حکومت بیانیهای منتشر ساخت و مواضع جدید رژیم عراق را یک حرکت تبلیغاتی، باهدف تضعیف قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توصیف کرد. در بیانییه وزارت خارجه گفته شده است که دولت بغداد به جای اینکه طرح اجرائی دبیر کل را برای اجرای قطعنامه به پذیرد دست به مانورهای تبلیغاتی می زند. در بیانییه همچنین اشاره شده است که رژیم عراق می خواهد با طرح اینگونه پیشنهادهای انحرافی خارج از چارچوب قطعنامه، عملاً اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به بن بست بکشاند. نکته قابل ذکر در رابطه با طرح سه ماده ای رژیم عراق مبهم باقی ماندن مسائل مورد مناقشه

جنگی بود. نماینده عراق بر پایه اهداف تجاوزکارانه دولت متبوهش به خاطر داشتن موقعیت برتر در مذاکرات و تحمیل برخی خواسته های رژیم ایران به بهانه جویی پرداخته و ضمن آنکه خواهان مذاکرات مستقیم با نمایندگان رژیم ایران شده، از آزادی اسرای جنگی قبل از عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی حمایت کرد و ضمناً قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر را که مبنای تعیین خطوط مرزی زمینی و آبی دو کشور می باشد به عنوان پایه حل و فصل اختلافات مرزی مردود شناخت.

شروع مجدد مذاکرات در آینده نزدیک در ارتباط با مواضع جدید رژیم عراق در دو هفته گذشته می باشد. رژیم عراق در یک نمایش صلح خواهانه توسط رئیس جمهوری این کشور در ۶۹ مین سالروز تاسیس ارتش عراق یک طرح سه ماده ای برای آغاز مذاکرات صلح اعلام کرد.

رئیس جمهور عراق در سخنان رادیو - تلویزیونی خود ضمن اشاره ای گذرا به امکان ترک مناطق اشغالی توسط عراق، به تشریح طرح سه ماده ای خود پرداخت.

در بند نخست طرح، رژیم عراق خواستار انجام مذاکرات مستقیم بدون واسطه مقامات ایرانی و عراقی تحت نظارت سازمان ملل متحد به منظور تهیه زمینه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

رئیس جمهور عراق در این بند افزود که سه دیدار در بغداد و سه دیدار در تهران میان نمایندگان دو رژیم انجام شود. ضمناً وی طی یک ژست دمکراتیک مابانه، عنوان کرد که به مردم دو کشور آزادی داده شود تا در باره مسایل مربوط به صلح میان دو کشور اظهار نظر کنند.

تجهیز عراق به تکنولوژی هسته ای توسط برخی انحصارات آلمان فدرال

بقیه از صفحه ۱۲

است. به نظر برخی محافل غربی تجهیز دولت عراق به تکنولوژی هسته ای در مقابل اسرائیل، علاوه بر منافع سرشار مادی، ممکنست از تحایلات ضمیمه ای آنها نیز ناشی شده باشد.

بعید نیست که پشت گرمی رژیم عراق به این معاملات و دستیابی قریب الوقوع آن به سلاحهای اتمی یکی از عوامل تار شکنی صدام حسین در روند مذاکرات صلح با ایران باشد.

به بعب اتمی بر سر زبانهاست. در سال ۱۹۸۱ نیروی هوایی اسرائیل مجتمع اتمی ازیراک در عراق را بمباران کرد و هدف از این اقدام ممانعت از دستیابی قریب الوقوع عراق به سلاحهای هسته ای بود.

دولت عراق برای دستیابی به بمب اتمی از هر امکان قانونی و غیرقانونی جهت برخورداری از دانش و تکنیک تولید سلاحهای هسته ای استفاده می کند. حال چرا برخی شرکت های آلمانی به این مطالبه ماجر اجوبانه صدام حسین پاسخ مثبت داده اند، قابل تعقیق

آلمان غربی صاحبان این شرکت را به دلیل معاملات غیرقانونی تحت پیگرد قرار داده و آنها را کلابه ۲۰۰۰ مارک جریمه محکوم کرده اند!

دولت عراق با تعداد زیادی از شرکت های آلمانی که در حال حاضر به صدور تکنیک به مجتمع تسلیحاتی "سعد" مشغولند در ارتباط است. این مجتمع نظامی در نزدیکی شهر موصل در شمال عراق قرار دارد. صدام حسین دستیابی به بمب اتمی را "هدف والای خود" قلمداد کرده است و شایعاتی مبنی بر دسترس عراق

۶۰۰ فروند از این موشک ها را به سوی ایران پرتاب کرده است. انجام این معاملات در آمد شرکت فوق را در پنج سال اخیر به ۱۰ برابر یعنی ۴۲ میلیون مارک افزایش داده است.

گفته می شود دولت جمهوری اسلامی نیز تلاش داشته است از این شرکت تسلیحات مورد نیاز خود را تهیه نماید ولی به دلیل روابط حسنه و سودآور آن با دولت عراق، این شرکت روی خوش به جمهوری اسلامی نشان نداده است.

بعد از آنکه معاملات غیرقانونی شرکت با دولت عراق فاش شد مراجع اداره کمرگ و دارائی

اندیشه ها و برداشتها

آذربایجان واحد، کردستان واحد، ترکمنستان واحد... چه باید گفت؟ چه باید کرد؟ چه اید آلی را باید برای حل مسائل ملی در نظر داشت؟

مهدی خسرو شاهی

بعضی چیزها دیگر آن چنان واقعیتند که بر روی آنها نمی توان ارزش گذاری اخلاقی - هاضفی کرد.

وجود دو آذربایجان و چند پاره بودن کردستان، یک واقعیت است. آذربایجان بزرگ و کردستان بزرگ و دیگر بزرگهایی از این دست (متأسفانه!) فقط رویاهایی خامند. برای متحقق شدن این رویاها باید مرزهای منطقه بهم ریزد و تعادل موجود از میان برود. اما دیدیم جنگ هشت ساله ایران و عراق را که از جمله با هدف تغییر مرز در شطالعرب بپا شده بود. چه نتیجه ای داد؟ رادیکالیسم کور ملیت گرایانه در منطقه برای همه مصیبت بار خواهد بود. می توان بسی قاطع و رادیکال جنگید. اما فقط جنگید.

مسئله ایران و ایدال ما برای آن

ایران در میان کشورهای همجوار خود از یک حسن بزرگ برخوردار است. در میان خلقهای آن خصوصیت برقرار نیست.

ایران همواره - بمنزله مواردی استثنایی - با مدارا با هم زیسته اند و می زنند. این مدارا و ملاطفت تاریخی شکل گرفته است. واقعا با چه حد از دقت و انصاف و مروت می توان خلق فارس را یک خلق ستمگر دانست؟ امتیاز اصلی ای خلق فارس از آن برخوردار است - این است که زبان رسمی کشور فارس است - تا چه حد محصول ستمگری خلق فارس است؟ رابطه فارس - کرد در ایران به هیچ رو با رابطه ترک - کرد در عراق قابل مقایسه نیست. در ایران مسئله ستم دولت مرکزی بر خلقها را نمی توان با شوونیسم فارس توضیح داد.

هدف از طرح این مسائل اظهار امتنان در برابر خلق فارس نیست. هدف انگشت گذاشتن بر روی پدیده همزیستی و مدارا در ایران است که معمولاً در هنگام طرح مسئله ملیتهای ساکن این کشور به اندازه کافی بر جسته نمی گردد.

در ایران پیش از آنکه از "خلقهای محروم" سخن گفته شود، باید از "مناطق محروم" سخن به میان آید. محرومیت خلقها در مفهوم اخص کلمه همدتا خود را به صورت فرهنگی نشان می دهد. جلوی رشد و شاهه زبان و فرهنگ خلقها گرفته می شود، زبان آنها به رسمیت شناخته نمی گردد.

از هر چیز سبک و سنگین کند که چه راهی را برود که جنگ و خونریزی و زورمداری را برنگزیند و بر نیانگیزاند. اما مسأله اصلی همین شرط و شروط است. تنها از شعار "حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی" نمی توان شعار روز را در رابطه با مسائل خلقها استخراج کرد. این شعار را نمی توان به صورت خام خود به کار بست. همانگونه که افراد آزادی یکدیگر را محدود می کنند، ملت ها نیز محدود کننده آزادی یکدیگرند. در گذار از وضع طبیعی به وضع اجتماعی، "آزادی" فرد محدود می شود. اما آزادی، یعنی آزادی من در جامعه، آزادی یعنی آزادی من در حضور دیگران. آزادی مقوله ایست اجتماعی و آزادی ملت ها، مقوله ایست در چارچوب همزیستی آنها. تاکنون همزیستی آزادانه ملت ها آنگاه میسر می شده است که هر ملتی مرزهای خود را می داشته است. اما اکنون شرط آزادی ملت ها برچیدن مرزهاست، و این البته به معنی نادرست بودن بسیاری از مبارزات استقلال طلبانه نیست.

واقعیت است، چاره چیست؟

با مسائل ملی و مسائل موجود در میان ملیتها باید برخورد مشخص داشت. هر شعار ملیت گرایانه جدایی طلبانه ای یک شعار آزادی خواهانه و برای ملت سعادت آور نیست، اگر چه می تواند چنین بنماید و یا به صورت مجرد چنین باشد.

در این جهان مابسی چیزها غیر عادلانه است، اما راه از میان برداشتن آنها یا تغییر خلعت غیر عادلانه آنها، شاید برخورد مستقیم با خود آنها نباشد. ممکن است نتوان تغییری در وضعیت آنها ایجاد کرد؛ ممکن است به جنگشان رفت اما حرمان بیشتری نصیب خود کرد. مرزها از این جمله اند. در جغرافیا دیگر خیلی چیزها یک واقعیت سلبند. مثلاً اسرائیل.

پدیده در اتحاد جماهیر شوروی پدیده ای کاملاً محسوس است و دلایل مختلفی دارد. اما عادلانه است، هم یک واکنش طبیعی است و هم انگیزه و سمت و سوی مبهم، مشکوک و یا آشکارا ارتجاعی دارد. در کشورهای سوسیالیستی اروپا نیز مسائل ملیت ها بعضاً جزو مهمترین مسائلند، خاصه در یوگسلاوی در هر دو آلمان شعار وحدت، شعاری جدی است. در شوروی در هر آنجا که مسأله ملیت ها مطرح نیست، از اروپاگرایی سخن گفته می شود. مثلاً روس ها و اکرائینی ها بیش از هر هنگام دیگری بر اروپایی بودن خود تاکید می کنند.

در چند ماهه اخیر یکی از رایج ترین عبارات سیاسی در میان دولتمردان و سیاستمداران اروپایی، چه چپ و چه راست، "خانه مشترک اروپا" است. اصطلاح جالبی است، در نزد بسیار کسان همزیستگاه درست صلح جویانه ای دارد، اما در این واتفاسی ملیت گرایی و منطقه گرایی ما نیز حق داریم بپرسیم، این "خانه مشترک" تا چه حد به نفع آسیاست، تا چه حد به نفع "کور و کچل ها"ی جهان سوم است. بیچاره آسیا، بیچاره جهان سوم.

حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی؟

کاش با شعار حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی، مسائل ملیت ها حل می شد. کاش هوامل دیگری در میان نبود، هر ملتی استقلال سیاسی و اقتصادی می یافت و صد گل می شکفت. بگذار هر کس که می تواند مستقل شود، به این شرط که خود به راستی آزاد گردد، به آزادی همسایگان خود خدمت کند و پیش

در چند هفته اخیر، رشد گرایش های ملی گرایانه در آذربایجان شوروی، نقطه عطف تازه ای را از سرگذراند. در کرانه شمالی ارس شعار آذربایجان واحد سر داده شد، عده کثیری وارد مناطق مرزی قرق شده از دوران استالین شدند، بعضاً تاسیسات مرزی را بهم زدند و خواهان مرزاده آزاد با هم ملیت های خود در آذربایجان ایران و نیز اتحاد با آنان گردیدند. عده ای از سوی مساواتچی ها تحریک شده بودند، عده ای شعارهای اسلامی می دادند و سینه ها شور می زدند، عده ای رویای کشور واحد ترکها را در سر داشتند و علیه سلطه گری روس اعتراض می کردند. اما در اکثریت مردم این حسرت دیرینه به نقان آمده بود که کی می توانیم اتسوی ارس را ببینیم، تبریز را، ارومیه را، میانه را، جمهوری اسلامی با احتیاط با قضیه برخورد کرد. آخوندها می اندیشیدند که اگر قضیه، بلوای شیعه گری باشد، بر موج سوار شوند تا دست کم از اتحاد شوروی امتیاز بگیرند. اما در همین حال نگران آنند که در این ماجرا مسأله ملی همده باشد و می دانیم که اندیشه "ملت" با "امت" جور در نمی آید.

این ماجرا طبیعتاً به آرزوی تشکیل آذربایجان بزرگ قوت می بخشد. داستان کردستان بزرگ نیز داستانی قدیم است. در همه احزاب کردی در ایران، عراق، ترکیه و سوریه، آرمان تشکیل کردستان بزرگ به شکل صریح یا ضمنی طرفدار داشته است. از ترکمنستان و ترکمن صحرا هنوز خبر مهمی نمی رسد و نیز از بلوچستان، و نیز از میان اعراب خوزستان. یک دوره رشد ملیت گرایی و منطقه گرایی

آیا ما وارد دوره تازه ای از رشد ملیت گرایی شده ایم؟ رشد این

برای فعال تر و دمکراتیزه تر کردن نشریه اکثريت

بر اساس مصوبه آذرماه هیات اجرایی کمیته مرکزی در مورد نحوه فعالیت ارگان های مرکزی سازمان، نشریه اکثريت بنوبه خود می کوشد، از این شماره، علاوه بر درج مواضع سیاسی سازمان در رابطه با اوضاع کشور و جهان، زمینه لازم را جهت انعکاس سایر افکار، نظریات و موضع گیری های موجود در جامعه پیرامون مسائل سیاسی مختلف به طرق مقتضی فراهم سازد و بازتاب دهنده گونه گونی و تنوع این نظرات در سازمان نیز باشد.

بی تردید، تامین شرایط لازم برای مباحثه و تبادل آراء در نشریات به ویژه نشریات سازمانی و جستجوی اشکال مبتکرانه و مناسب برای طرح افکار و ایده های متنوع موجود در جامعه، گامی است در جهت تجهیز بیشتر نیروهای سیاسی به فرهنگ دموکراسی، دستیابی به زبان مشترک و تدارک اتحاد عمل های گسترده در طیف نیروهای که برای استقرار دموکراسی در کشور می رزمند.

نشریه اکثريت می کوشد مسائل و نقطه نظرهای مطرحه را با به کارگیری اشکال مختلف مباحثه و تبادل نظر، از جمله نظر خواهی ها، مصاحبه ها، درج مقالات، نامه ها و سوالات رسیده به نشریه، قطع نظر از وابستگی یا عدم وابستگی سازمانی نویسنده یا ارسال کننده آن، در حد ممکن منتشر سازد. بدیهی است که موضوع مطالب مندرجه به هر صدهائی مربوط می شود که پرداختن به آن در حیطه وظایف این نشریه است.

این تلاش، بی شک در پرتو مساعدت های خوانندگان صاحب نظر، نویسندگان، هنرمندان، مترجمین و مولفینی که به رشد فرهنگ ملی و اعتلای سطح آگاهی مردم یاری می رسانند و همه مبارزاتی که به آزادی و نیکبختی مردم میانداشند، می تواند ثمر بخش گردد.

در زیر بخشی از قرار مصوب هیات اجرایی سازمان در این زمینه به چاپ رسیده است:

- نشریات مرکزی سازمان موظفند از طریق مصاحبه ها، میزگردها و سایر اشکال مستقیم نظر خواهی، ارزیابی ها تحلیل ها و مواضع جریان ها و شخصیت های سیاسی مختلف پیرامون مسایل سیاسی مهم کشور و جهان را منتشر سازند.

- درج مقالات، سوال ها و نامه های رسیده از سوی افراد و فعالین سیاسی دیگر در نشریات مرکزی سازمان مجاز است. ولی این امر به منزله تأیید آنان از سازمان و وابستگی آنان به سازمان نیست.

- مواضع ارگان های رهبری سازمان در اعلامیه ها، اعلامیه ها و اشکال دیگر با امضای مشخص منتشر می شود.

- نشریات مرکزی سازمان موظفند کار محققین، نویسندگان، هنرمندان، مترجمین و مولفینی را که به رشد فرهنگ ملی و اعتلای سطح آگاهی مردم کمک می کنند، ارج گذاشته و منعکس نمایند.

- مسئولیت درج کلیه مطالب در نشریات مرکزی سازمان بر عهده شورای سردبیری نشریه است.

- مطالبی که بدون امضا در نشریات مرکزی سازمان درج می شود، توسط شورای سردبیری نشریات تهیه و تنظیم می شود.

- سرمقاله و یا مقالات اساسی مندرج در نشریات مرکزی سازمان که بدون امضا درج می شود، منعکس کننده نظر شورای سردبیری نشریه است.

کمک های مالی رسیده

به خانواده زندانیان سیاسی از سوئد ۴۱۰۰۰ کرون

"بیدار فیق منصور پور جم" از و ستروس نروژ ۱۰۰ کرون

کمک به واحدهای فدایی در داخل از طرف اتحاد - سوئد ۱۰۰ کرون

همسایه بتوانند مناسباتی همچون مناسبات موجود در اروپای غربی بین خود برقرار کنند، منطقه ما منطقه صلح و دوستی و شکوفایی فرهنگی و اقتصادی خواهد شد. مساله چند پاره بودن کردستان باید در چنین چارچوبی حل شود و نیز مساله آذری ها، بلوچ ها، ترکمن ها و هر با، شرط تحقق این آرزو دموکراتیزه شدن منطقه است. مانع عمده دوستی و همگرایی ملت های ما، رژیم های مستبد منطقه اند. به جای "کردستان واحد"، "آذربایجان واحد" و دیگر واحدهایی از این قبیل، باید ایدال دموکراتیزه شدن منطقه را هدف قرار داد.

امادر مورد قضیه آذربایجان

مقامات تهران و باکو توافق کرده اند که مسافرت بین دو آذربایجان "آزاد" شود. هفته ای ۱۵۰ نفر به صورت گروهی! آخوندها، حزب اللهی ها را روانه شمال خواهند کرد و هیچ معلوم نیست از شمال چه کسانی سعادت دیدار جنوب را بیابند. این آزادی نشد. رفت و آمد، بدون کنترل دولتی. باید این خواست دموکراتیک را تبلیغ کرد. علاوه بر آن مرادوات فرهنگی نیز کاملاً باید آزاد باشد، آنهم از جانب نهادهای فرهنگی مستقل. رابطه کنترل شده دولتی بین آذربایجان شوروی و آذربایجان ایران، فقط به نفع رژیم آخوندی خواهد بود. باعث خواهد شد شمالی ها نفهمند در جنوب اسلامی چه می گذرد و از جانب جنوب هم فقط "میسو نهایی مذهبی" راهی شمال گردد.

باید بر آزادی مهاجرت بین دو آذربایجان نیز تأکید کرد. خاصه مهاجرین دوره نهضت فرقه دموکرات آذربایجان ایران باید آزاد باشند که از آذربایجان شوروی، بی هیچ محدودیتی از هر دو سوبه زاد و بوم خود برگردند.

خواست آزادی مسافرت و روابط فرهنگی و اقتصادی تنها نباید به آذربایجان محدود شود. ارمنی ها و ترکمن ها نیز چه از این سو و چه از آن سو باید بتوانند با یکدیگر مرادوات آزاد داشته باشند. مناسبات آزاد با تاجیکها نیز چه برای اهالی تاجیکستان و چه برای ایرانی ها بسیار فرخ بخش و مفید است.

برقراری این مناسبات آزاد به نفع همه خلق های این سو و آن سوی مرز شمالی و به نفع جنبش و فرهنگ ضد استبدادی در ایران است.

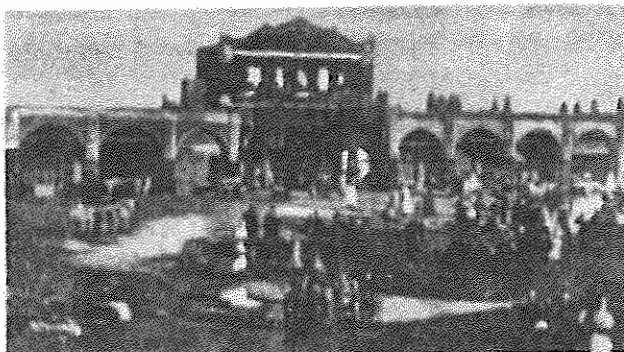
کتاب و روزنامه به زبانهای ملیت ها انتشار نمی یابد، خلقها فاقد رادیو و تلویزیون مستقل خودند، رشد تحصیلی تابع مطلق تسلط به زبان فارسی است و...

چاره کار یک نظام فدراتیو است، با بهره گیری از تجارب اتحاد شوروی، آلمان فدرال، سوئیس، یوگسلاوی، ایالات متحده آمریکا، هندوستان و همخوان با مقتضیات و حال و هوای کشور و مقدم بر هر چیز مبتنی بر مدارا و ملاطفت تاریخا شکل گرفته در بین ملیتهای ساکن ایران. چاره کار به هیچ رو کردگرایی، آذری گرایی، بلوچ گرایی و نظایر اینها در برابر فارس گرایی نیست.

به عنوان مثال مساله خلق بلوچ به هیچ رو از طریق مقابله با "ستم فارس" حل نمی شود، چرا که چنین ستمی - که نمی توان در بست منکر آن بود - بنیاد محرومیت خلق بلوچ نیست و از طریق مقابله جویی با آن نمی توان به یک جنبش دموکراتیک توده ای دامن زد. باید در ایران یک رژیم دموکراتیک مستقر شود، نظام اداره کشور فدراتیو شود، برنامه هدالتجویانه ای برای رشد موزون اقتصادی کشور به اجرا درآید. مدارا و ملاطفت موجود در میان خلقهای ایران - که خصلتی دموکراتیک دارد و خدشه های پدید آمده در آن اساساً ناشی از ستمگری دولتهای مرکزی بوده است - مبنای تحکیم بیشتر جو مودت و برادری خلقهای ما گردد. برای تحقق چنین برنامه ای از هم اکنون باید در راستای مسائل ملی نیز بطور ویژه کار کرد. این مطلقاً غیر دموکراتیک است اگر کسی بگوید طرح مسائل ملی را بگذارید برای دوره پس از جمهوری اسلامی. اما کسی که می خواهد در جهت مسائل ملی کار کند، باید بداند که چه می خواهد و چه مسیری را باید برود.

نظم ایدال ما برای منطقه

نظم ایدال در ایران یک سیسم فدراتیو است. در منطقه مناسبات ایدال باید چیزی باشد مثل اروپای غربی: رفت و آمد آزاد، مناسبات فرهنگی گسترده و بری از هر گونه محدودیت، روابط اقتصادی گسترده در چارچوب یک بازار مشترک. اگر روزگاری ایران، عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان و جمهوری های شوروی



میدان امین السلطان

به دنبال اظهار تمایل این عده، ادارهٔ بلدیه که انجام دهندهٔ امور مربوط به کارخانهٔ برق شخصی امین‌الضرب بود، ترتیبی داد تا مأمورین مربوطه هر شب سیمی به محل کسب دکان‌دارهایی که مایل به استفاده از برق هستند کشیده و در پایان شب بر حسب تعداد لامپی که در مغازهٔ آنان روشن بوده مبلغی را دریافت نمایند.

در آن زمان قیمت سوخت هر لامپ چهل وات شبی چهار شاهی بود و خیلی شب‌ها هم اتفاق می‌افتاد که هیچکدام از کسبه حاضر به استفاده از برق نمی‌شدند. با این وجود، امین‌الضرب بدون آنکه ناامید شود مدتی بعد دومین کارخانهٔ برق را وارد کشور ساخت و در خیابان ری فعلی، نصب نمود. عدم استقبال مردم از نیروی برق تا سال ۱۳۱۳ شمسی دوام یافت و طبق آماري که از سوی ادارهٔ برق منطقه‌ای منتشر شده، تا سال مورد اشاره، فقط یازده مشترک از نیروی برق استفاده می‌کردند.^(۱)

اولین کارخانهٔ برق دولتی، ظاهراً در همین سال در خیابان ژاله نصب و آمادهٔ بهره‌برداری شد و عملیات سیم‌کشی هوایی و کابل‌کشی خیابان‌های مرکزی شهر آغاز گردید. مأمورین ادارهٔ برق (که آنوقت‌ها ادارهٔ روشنایی نامیده می‌شد و یکی از ادارات تابعهٔ بلدیه بود) برای سیم‌کشی هوایی ناچار بودند به دیوار برخی از خانه‌هایی که در مسیر واقع می‌شد مقره‌هایی بکوبند، ولی ساکنین خانه‌ها و همچنین صاحبان آن‌ها در بیشتر موارد به شدت از اینکار جلوگیری می‌کردند و مشکلاتی برای کارکنان ادارهٔ روشنایی به وجود می‌آوردند. در این زمان، ادارهٔ روشنایی برای تشویق مردم به استفاده از برق و همکاری آنان با مأمورین سیم‌کشی اعلام نمود که حاضر است بدون دریافت هیچ هزینه‌ای به شهروندان انشعاب برق بدهد. ولی مردم که از دور و نزدیک شنیده بودند برق خطرناک است و انسان را می‌گیرد و می‌کشد، زیر بار پیشنهاد جدید نرفته و کماکان به مقاومت خود ادامه دادند. مدتی بعد، اعلام گردید که چنانچه کسانی مایل به استفاده از برق باشند، یک دستگاه کنتور مجانی نیز به آن‌ها داده خواهد شد، اما این پیشنهاد هم طرف توجه تهران‌نشین‌ها قرار نگرفت.

سرانجام در سال ۱۳۱۶، ادارهٔ بلدیه مجبور شد صدور جواز کسب مغازه‌داران یا تمدید پروانهٔ اشتغال آنان را موقوف به دریافت انشعاب برق نماید و تازه از آن زمان بود که عده‌ای از صاحبخانه‌ها که تصور می‌کردند بعد از مجبور ساختن کسبه به دریافت انشعاب برق، نوبت به آن‌ها خواهد رسید و مجبور خواهند بود برق را به خانهٔ خویش راه دهند، شکایت‌نامه‌هایی بر علیه ادارهٔ روشنایی به عدلیه تقدیم داشتند و نسبت به نصب مقره‌های برق بر دیوار خانه‌هایشان معترض شدند و ادعا کردند که این کار باعث برق‌گرفتگی آنان یا آتش گرفتن منازلشان خواهد شد!

تهران، پایتخت دویست ساله

بعنوان "دارالخلافه"، بخشی از کتاب "تهران قدیم"، نوشتهٔ م. حسن بیگی را برای چاپ برگزیده‌ایم. در این بخش، نویسنده ورود اولین کارخانه برق به تهران را توصیف کرده است:

به مناسبت سالگرد تعیین تهران بعنوان پایتخت، از تاریخ ۱۳ آذر نمایشگاه عکسی در تهران برگزار شد که مورد استقبال وسیع مردم واقع گردید. به مناسبت دویست و یکمین سالگرد تعیین تهران

ورود اولین کارخانه برق

در دورهٔ مظفرالدین شاه قاجار، حاج حسین امین‌الضرب که از همراهان شاه در سفر وی به روسیه بود یک دستگاه موتور برق خریداری و با جلب موافقت ادارهٔ بلدیه وقت در اول خیابان چراغ گاز نصب کرد و به این ترتیب خود به خود نام خیابان گاز به چراغ برق تبدیل شد که هنوز هم عده‌ای خیابان امیرکبیر را با همین نام مورد اشاره قرار می‌دهند.

کنجکاو و بی‌تفاوتی مردم

کارخانهٔ برقی که امین‌الضرب به تهران آورد، در واقع جزو نخستین کارخانه‌های معتبر و اساسی ایران بود که به وسیلهٔ نفت کار می‌کرد و پروانه‌ای به قطر پنج متر داشت و با حرکت همین پروانه بود که برق تولید می‌شد. مردم تهران که این پدیدهٔ عجیب و غریب موجب حیرتشان بود و اکثراً باور نمی‌کردند که گردش یک پروانهٔ فلزی بتواند تولید روشنی نماید، هنگام غروب که موقع به کار افتادن موتور برق بود در اطراف محل استقرار آن جمع می‌شدند و به اظهارنظرهای مختلف می‌پرداختند. با این وجود هیچکدام از آن‌ها رغبت و تمایلی به استفاده از برق جهت روشنایی منزل و محل کارشان در شب‌ها از خود نشان نمی‌دادند و تنها فایدهٔ کارخانهٔ برق این بود که علاوه بر روشن ساختن عمارات شاهی، چند خیابان اطراف ارگ را نیز از سر غروب تا آخر شب روشن می‌کرد.^(۲)

آنند که عده‌ای از کسبهٔ خیابان‌های ناصریه، چراغ برق و باب همایون راغب به استفاده از برق شدند، اما هیچکدام حاضر به خرید انشعاب برق نبودند. بلکه می‌خواستند در برابر پرداخت مبلغی مشخص هر وقت که دلشان بخواهد از برق استفاده کنند.



شمارهٔ دارالخلافه تهران که تاریخ شهر جمادی الاولی است ۱۳۲۵
به سنی اعصاب السلطان، علی‌قلی میرزا و احتمام موسوی کرمانی
ترکیب و معلم توپخانه صورت طبع یافته است

خبرها و نظرها

اتحاد کار

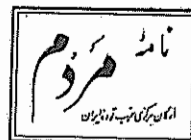
"چشم دل باز کن که جان بینی"

نشریه اتحاد کارگران مرکزی سازمان فدایی در شماره ۵ (آذرماه) خود مقاله‌ای را با عنوان بالا در نقد روش‌های راه‌کارگر بچاپ رسانده است. در این مقاله انشعاب در سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و برگزاری کنگره وحدت میان سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان آزادی کار ایران، بعنوان دو واقعه در خور توجه و تعمق ارزیابی شده و نحوه برخورد راه‌کارگر به این دو موضوع را ناشی از دیدگاه این سازمان نسبت به امر وحدت و دموکراسی درون سازمانی دانسته است. در این زمینه آمده است:

"راه‌کارگر در مقاله‌ای تحت عنوان "سانترالیسم درمانده راهگشای سوسیال دموکراسی"، یکبار دیگر دیدگاهها و روش‌های پیشنهادی خود در مورد وحدت و دموکراسی درون سازمان را به نمایش گذاشته است... راه‌کارگر در این مقاله سازمان فدائی را به "عناصر صادق و انقلابی" و عناصر منحط و فریبکار که دومی‌ها در کنگره دسته‌ای اول را فریب داده و آنان را به وسیله‌ای برای راهگشایی نظرات خود تبدیل کرده‌اند تقسیم می‌کند و پس از این تقسیم‌بندی از عناصر صادق و انقلابی می‌خواهد: "عناصر صادق و انقلابی اگر خواهان مبارزه جدی علیه انحطاط سوسیال دموکراتیک هستند، باید قبل از هر چیز و پیش از هر چیز با تفکر سانتریستی تعیین تکلیف کنند، با دشمن تنها زمانی می‌توان جنگید که اجازه ندهیم آنها گل‌آلود گردند، زمان، زمان تعیین تکلیف است." اما این تعیین تکلیف قاطع و انقلابی که راه‌کارگر زمانه

را زمانه توسل جستن به آن می‌داند چیست؟ "دشمن" خواندن هم‌رزم سازمانی که مخالف فکر ما است؟ آیا این است "قاصطیت انقلابی"؟ تعیین تکلیف کردن با تفکر سانتریستی برای جنگیدن با بقیه که از نظر راه‌کارگر "دشمن" محسوب می‌شوند؟

... تنها راهی که راه‌کارگر می‌شناسد و به جنبش ما توصیه می‌کند عدم تحمل افکار و عقاید متفاوت در یک جریان واحد، فراموش کردن اهداف مشترک و دشمن مشترک بخاطر پیداشدن اختلافات عقیدتی و یا سیاسی و تعیین تکلیف کردن با یکدیگر تا حد شقه‌شقه شدن و تقسیم شدن به محافل و حتی به عناصر منفرد، جدا از هم و حتی "دشمن" هم در حال "جنگیدن" باهم، اما در عوض "انقلابی" و "سازش‌ناپذیر" باقی ماندن! ... کافی است به آنچه راه‌کارگر در برخورد با اختلافات فکری درون خود می‌کند نظری بیانکنیم تا میزان التزام راه‌کارگر را به دموکراسی و ماهیت روش‌های راه‌کارگر را بهتر بشناسیم: ... قطعنامه راه‌کارگر شرط بازگشت رفقای انشعابی را "تائید صریح خطمشی کمونیستی سازمان" و التزام به تنزل و تحدید اندیشه‌ی خود در چارچوبه از پیش تعیین شده توسط اکثریت کمیته مرکزی راه‌کارگر می‌داند... دقت کنید که می‌گوید "تائید صریح و نه التزام به تبهیت اقلیت از اکثریت... رفیق بابا هلی در صورتی می‌تواند به سازمان برگردد که... نظریه‌ی "دولت منحل‌کاری و ضرورت انقلاب سیاسی در کشورهای سوسیالیستی را... پس بگیرد!" آیا همین است نظریه "آزادی بی‌قید و شرطی" که راه‌کارگر مدعی دفاع از آن است. اگر چنین است این فقط آزادی بی‌قید و شرط برای رهبری راه‌کارگر است و نه برای دیگران و نه حتی برای اعضای تشکیلات راه‌کارگر.



"مارکسیست ارتدکس" یادیکتاتور شوونیست

در نامه مردم شماره ۲۹۱ مقاله‌ای تحت عنوان: "مارکسیست ارتدکس" یا دیکتاتور شوونیست درج شده

است که در آن به رویدادهای رومانی پرداخته شده است. در آغاز این مقاله آمده است:

"تیم مردم و نیروهای مسلح رومانی، در اندک زمانی طومار دیکتاتوری چائوشسکو را در هم پیچید. در پی چند روز درگیری خونین، مقاومت نیروهای وابسته به رژیم حاکم در هم شکسته شد و قیام کنندگان کنترل تمام کشور را در اختیار گرفتند."

در ادامه مقاله ضمن ابراز خشنودی نسبت به تنگ‌تر شدن حلقه محاصره بر گرد رژیم "ولایت فقیه" بخاطر کاسته شدن از تعداد رژیم‌های سرکوبگر و دیکتاتورمنش، رسانه‌های گروهی غرب را بخاطر اینکه چائوشسکو را بجای یک دیکتاتور شوونیست "آخرین مارکسیست ارتدکس" در اروپا نامیده‌اند، مورد انتقاد قرار داده است.

نامه مردم سپس نوشته است: "بر کسی پوشیده نیست که چائوشسکو و طرفداران وی، از سال‌ها پیش، با گرویدن به سوی شوونیسم لجام گسیخته، راه و روش خاص خود را در پیش گرفتند. آزادی‌کشی، ستم‌گری بر اقلیت‌های قومی، بویژه مجارهای ساکن رومانی، ادعاهای ارضی نسبت به همسایگان، وادار کردن شهروندان رومانی به طلاق دادن همسران خارجی خویش، تبلیغات بر ضد کشورهای سوسیالیستی و... اجزای سیاست شوونیستی و عظمت طلبانه را تشکیل می‌داد."

اما نامه مردم هیچگونه اشاره‌ای نکرده است که این همه ارتداد و انحراف و استبداد چرا تا کنون منجمد در صفحات نامه مردم بازتاب نداشته است و اکنون تنها پس از سرنگونی چائوشسکو طرح می‌گردد. نامه مردم سپس به درستی، تبلیغات رسانه‌های غرب در گذشته در مورد چائوشسکو را افشا کرده و اهداف غرب در حمایت از چائوشسکو را در چارچوب سیاست هم‌می‌امپریالیسم مورد حمله قرار داده‌است اما بعنوان شاهد مثال سیاست دریافت وام و اعتبار از غرب توسط چائوشسکو را ذکر کرده و آن را مورد انتقاد قرار داده است. این سیاست که هم اکنون وسیعاً توسط اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی در پیش گرفته شده است در شرایط درهم تنیدگی همیق اقتصاد جهانی محتاج بررسی وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تری است.

کوردستان

از این نسخه برای حزب و مردم کوردستان ایران

"یک دستور العمل اسلامی!"

نشریه "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کوردستان ایران در شماره ۱۵۵ خود سند افشاگرانه‌ای را به چاپ رسانده است. این سند در تاریخ ۶۸/۵/۲۵ در جریان حمله پیشمرگان نیروی "ناکری" حزب دموکرات به یک پایگاه رژیم در منطقه "نازلوچای" ارومیه، مشرف به دهکده "آهنگران" به دست رزمندگان حزب دموکرات افتاده است. نشریه "کوردستان" نوشته است:

"از میان مجموعه‌های اسناد و مدارک نظامی که بدست پیشمرگان افتاده جزوه‌ای "خیلی محرمانه" تحت عنوان "شرح وظایف‌های (وظیفه‌های!) فرمانده مقرر استقراری (آنچه که فرمانده باید بداند)" دیده می‌شود که پیشمرگان آن را به دفتر سیاسی حزب فرستاده‌اند. از عنوان روی جلد این جزوه پیدا است که آنهائیکه این رهنمود را برای فرماندهان رژیم نوشته‌اند چه آدم‌های با دانشی! هستند و اکنون چه نوع کسانی در کشور بلازده ما ایران بر جان و مال مردم حکومت می‌کنند... سردمداران و مسئولین رژیم مزدوران خویش را اینگونه به جان خانواده‌های پیشمرگان می‌اندازند.

بسمه تعالی طرح کنترل خانواده‌ها را... همانطوریکه به کلیه فرماندهان دسته ابلاغ شده و در آموزش‌ها بطور مشروح - توضیحات لازم داده شده است طرح کنترل خانواده‌ها را در گرفتن ارزش و آثاقی از خانواده آنها که در حقیقت نباید داشته باشند طرح زیر دقیقاً اجراء شود با آگاهی بر اینکه حامیان اصلی اشرار در درجه اول فرزندان - پدر - مادر - خواهران - برادران وی می‌باشند و آنها نیز به پشتوانه ضد انقلاب به مردم زور می‌گویند و نظرات خودشان را تحمیل می‌نمایند فرمانده مقرر باید این ارزش و آثاقی را با اجراء دقیق موارد زیر از ایشان بگیرد.

۱- در دفتر مخصوص هر روز صبح و عصر آنها را در جلو مقر حضور فایب نماید.
۲- در صورتی که هر کدام از آنها خواسته باشند روستا را به مدت ۲۴ بقیه در صفحه ۱۰

بیانیه کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران

بر اساس اخبار موثق مورد تأیید کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و هغو بین الملل جان ۸۳ زن زندانی سیاسی در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بر اساس اخبار جدید از داخل زندانهای ایران که مورد تأیید هغو بین الملل می باشد، ۱۸ تن از زندانیان سیاسی زن محکوم به اعدام گشته و به سلولهای انفرادی منتقل شده اند. مسئولین حکومتی ج. ا. در صدد تا آنان را اصلی روزهای آتی اعدام نمایند.

کمیته هندی دفاع از حقوق بشر، نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را شدیداً محکوم نموده و اعتراض شدید خویش را نسبت به پیگرد، شکنجه و اعدام انقلابیون ایران اعلام می دارد.

کمیته هندی دفاع از حقوق بشر از مسئولین حکومتی ج. ا. می خواهد تا به شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بویژه زندانیان سیاسی زن که جانشان در معرض خطر جدی قرار گرفته، پایان بخشند و تمامی زندانیان سیاسی را بلا درنگ رها سازند. کمیته هندی دفاع از حقوق بشر در ایران آمادگی خویش را برای همکاری با هیئت نمایندگی سازمان ملل که ژانویه ۱۹۹۵ جهت بازدید از وضع زندانیان، گفتگو با سازمانهای سیاسی اپوزیسیون و خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده هازم ایران است، اعلام می دارد.

بار دیگر کمیته، تقاضای خویش را مبنی بر تدارک امکانات جهت گسیل هیئت نمایندگی کمیته به ایران جهت بازدید از زندانیان را به مقامات ایرانی ابراز می دارد.

مسئول کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران کرنیسنا یار دسامبر ۱۹۸۹.

بیانیه مطبوعاتی هیأت اجرایی فدراسیون ملی زنان هند

فدراسیون ملی زنان هند نگرانی عمیق خویش را نسبت به تداوم سرکوب مخالفین سیاسی از سوی دولت ایران ابراز می دارد. اخیراً اخباری بدست ما رسیده مبنی بر اینکه ۱۸ تن از زنان زندانی سیاسی را از دیگران جدا کرده اند. تمامی گزارش ها حاکی از آن است که دولت ج. ا. در صدد اعدام این زنان است همچنانکه هزاران زندانی سیاسی دیگر اخیراً به شهادت رسیده اند.

بر اساس گزارش های موثق طی ماه های اخیر شکنجه های جسمی و روحی بر روی زنان زندانی سیای جهت اقرار گیری در مورد جرماتی که هرگز مرتکب نشده اند، شدت یافته است.

اقدامات ج. ا. نقض ضمنی تمامی موازین دموکراسی است. فدراسیون ملی زنان هند اعمال خشن و ضد انسانی ج. ا. را محکوم می کند. از دبیر کل سازمان ملل متحد، خاور پرز دو کوئینر خواستاریم تا با اقدام عاجل خویش جان این ۱۸ زندانی سیاسی زن را نجات دهد.

ما از تمامی زنان هند دعوت می کنیم تا بانگ اعتراض خویش را علیه اقدامات ضد انسانی ج. ا. بلند کنند. می بایستی اقدامات بیدرنگ خویش را در راستای نجات جان زنان زندانی سیاسی به کار بندیم.

ویلفاروقی دبیر کل دسامبر ۸۹.

"یک دستور العمل اسلامی!"

بتهیه از صفحه ۹

- ساعت یا بیشتر ترک نمایند با اجازه پایگاه و تعیین محلی که در آنجا کار دارند خارج شوند.
- ۳- در صورتی که عضو شور باشند با هماهنگی سپاه اخراج شوند و به مردم هلت عدم لیاقت ایشان به خاطر داشتن فرزند یا برادر در داخل اشرار گفته شود.
- ۴- در صورت داشتن مینی بوس یا تراکتور و یا وانت و هر وسیله نقلیه دیگر با هماهنگی پاسگاه توقیف شود.
- ۵- هیچکدام از روستائیان حق ندارند زمینهای آنها را شخم بزنند.
- ۶- حق استفاده از بیلاقات را ندارند چون احشام خود را به خاطر ارتباط با ضد انقلاب و تغذیه تدارکاتی و اطلاعاتی آنها می برند.
- ۷- از استفاده وسایل نقلیه همومی و شرکت در مجالس همومی محروم خواهند بود.
- ۸- در صورت داشتن موتور آب و یا سایر وسایل حق دریافت سوخت را ندارند.
- ۹- قبل از اجرای این دستور العمل اهالی روستا را جمع و مردم را توجیه نماید که هلت آن همکاری با اشرار می باشد.

مواضع چندش آور کشورهای غربی و واتیکان در قبال رویدادهای پاناما

جمعیتی محدود برای سربازان ت دندار مسلح آمریکایی دور می زد. در این میان نحوه انعکاش خبر مربوط به نحوه تحویل نوریه گاه به نیروهای آمریکایی و اقدام ننگ آمیز واتیکان قابل توجه ویژه است.

خبرگزاری های غربی همه جا با بوق و کرنا اعلام کردند که نوریه گاه داوطلبانه خود را تسلیم ارتش آمریکا کرده است. پس از اینکه این خبر کاملاً در ذهن ها حک شد به سادگی و در حاشیه خبرها فاش شد که وی برای تسلیم به تجاوزگران آمریکایی تحت فشار قرار داده شده است. مقامات واتیکان به نوریه گاه اولتیماتوم دادند که اگر او "داوطلبانه" تسلیم نیروهای آمریکایی نشود وی را به مخالفان پانامایی اش تحویل خواهند داد.

بعد از آن نیز جزئیات بیشتری از مذاکرات و بده بستان های پنهانی ژنرال های آمریکایی و مقامات کلیسا فاش شد. جایزه یک میلیون دلاری برای سر نوریه گاه گویانصیب واتیکان شده است.

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان احیاء

یک جامعه بورژوازی خواهد بود. بنابر آمار انتشار یافته این حزب که تا کنون بیش از ۶۵۰۰۰ نفر در آن نام نویسی کرده اند بیش از "ح. س. م." موفق به جلب اعضای حزب سابق شده است.

در پایان کنگره خانم گیولاتورمر به ریاست ح. س. م. انتخاب شد. کنگره مزبور اساسنامه و برنامه نوینی به تصویب رساند. در این برنامه، "ح. س. م." بعنوان یک حزب مارکسیستی معین شده است و پلورالیسم سیاسی و سوسیالیسم دموکراتیک از ارکان برنامه ای حزب اعلام شده اند.

گیولاتورمر که یکی از همکاران نزدیک کارولی کروسستس، دبیر کل سابق این حزب، و مشاور او در امور بین المللی بوده است، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که: وحدت حزب در حل مشکلات عظیم پیشروی، مقدمترین وظیفه ما را تشکیل خواهد داد.

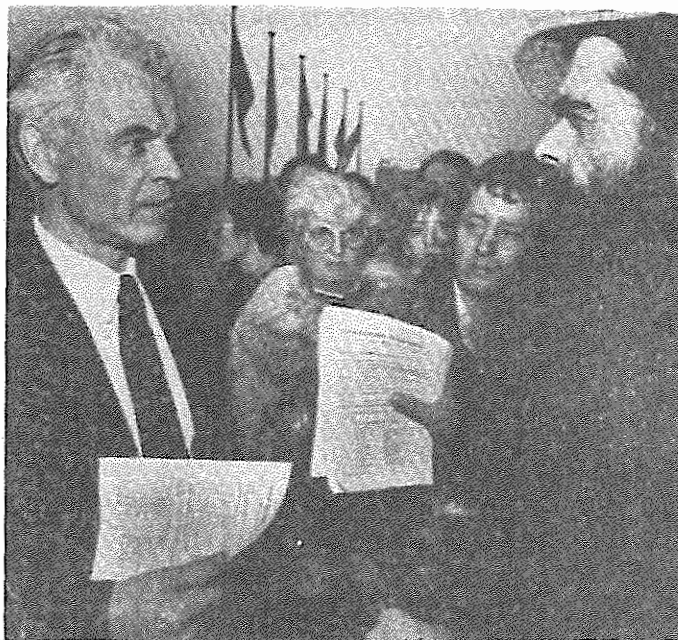
در جریان تجاوز نظامی آمریکا به کشور پاناما و به خاک و خون کشانده شدن چند هزار تن از مردم فیر نظامی این کشور توسط بمب ها و گلوله های اهدایی جرج بوش، کشورهای غربی و دربار واتیکان نمونه هایی چندش آور از اخلاق سیاسی و احترام به حقوق بشر و حقوق ملت ها را به نمایش گذاشتند. کانادا و انگلستان رسماً از این اقدام تجاوزگرانه استقبال کردند. دیگر کشورهای اروپایی (به جز اسپانیا) و به ویژه آلمان فدرال به شکل کاملاً بارزی اخبار مربوط به رویدادهای پاناما را تحت الشعاع تحولات در کشورهای اروپای شرقی قرار دادند و تمام تلاش خود را به کار بردند تا اجساد متلاشی شده پانامایی ها بر اثر بمباران هواپیماهای آمریکایی و محلات با خاک یکسان شده پاناماسیتی هیچگونه بازتابی در تلویزیون های این کشورها نیابد. اگر اخبار را خبری و تصویری در این زمینه انتشار یافت بیشتر حول و حوش شرکت نوریه گاه در قاچاق مواد مخدر و هورا کشیدن

در نیمه دوم دسامبر ۸۹، کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تصمیم گرفت این حزب را که در اکتبر سال گذشته توسط جناح اصلاح طلبان رادیکال منحل اعلام شده بود، مجدداً احیاء کند. نمایندگان کنگره اخیر اظهار کردند که اکثریت اعضای حزب، مصوبات کنگره اکتبر سال گذشته را فیر قانونی و فاقد اعتبار دانسته اند. به گفته این نمایندگان، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان (ح. س. م.) در ماه اکتبر نوسازی نشده بلکه دچار انشعاب شده است.

"ح. س. م." به حیات خود ادامه داده و با حزب سوسیالیست مجارستان (ح. س. م.) به مبارزه ایدئولوژیک خواهد پرداخت.

کارولی کروسستس به عنوان سخنران اصلی کنگره تأکید کرد که محور اصلی فعالیت حزب احیاء مجدد و تحکیم اعتماد اعضای حزب، حفظ اهداف مارکسیست - لنینیستی حزب و جلوگیری از تبدیل مجارستان سوسیالیستی به

بحران کابینه در جمهوری دموکراتیک آلمان کاستی گرفت



هانس مودرو نخست وزیر این کشور در روز جمعه هفته گذشته اعلام کرد که تصمیم گیری در مورد تشکیل نیروی امنیتی "پاسدار قانون اساسی" به پس از انتخابات ۶ مه موکول خواهد شد. مو تلفین حکومتی "حزب سوسیالیست متحده آلمان - حزب سوسیالیسم دموکراتیک" اعلام کرده بودند در صورتی که مودرو از هم اکنون به تشکیل یک نیروی امنیتی به پردازد از کابینه خارج خواهد شد.

- کارزار مبارزه انتخاباتی در جمهوری دموکراتیک آلمان بسیار داغ است. احزاب مخالف حزب سوسیالیست متحده، این حزب را متهم می کنند که امکانات همده تبلیغی را در اختیار دارد و به مخالفین میدان نمی دهد. حزب سوسیالیست متحده روی برابر حقوقی در انتخابات تاکید کرده و به اپوزیسیون به خاطر کمک گرفتن از آلمان فدرال انتقاد می کند.

احزاب آلمان فدرال هملا دخالت فعالی در مبارزه انتخاباتی در جمهوری دموکراتیک آلمان

دارند. رادیو و تلویزیون و مطبوعات این کشور به صورت تریبون تبلیغاتی احزاب مخالف حزب سوسیالیست متحده در آمده است. - در حزب "سوسیالیست متحده آلمان - حزب سوسیالیسم

طرح انحلال حزب متحده کارگران لهستان و تشکیل یک حزب چپ

کمیته مرکزی حزب متحده کارگران لهستان (حزب کمونیست کشور) تصویب کرده است که در کنگره این حزب که در روز ۲۷ ژانویه آغاز به کار خواهد کرد، پیشنهاد انحلال حزب در شکل کنونی آن را مطرح سازد. همپای پیشنهاد انحلال حزب کنونی، طرح تشکیل یک حزب تازه نیز به بحث کنگره گذاشته خواهد شد. پیش بینی می شود که هر دو پیشنهاد مورد تصویب

قرار گیرد. را کوفسکی دبیرکل حزب متحده کارگران لهستان ضمن اعلام این مصوبات کمیته مرکزی، تاکید کرد که حزب تازه ای که تشکیل خواهد شد، باید آنگونه باشد که بتواند نیروهای چپ کشور را در خود مجتمع سازد. براساس نظر خواهی ها، گیکه تاکنون صورت گرفته گرایش همده آن است که حزب جدید حزب سوسیالیست لهستان و یا در درجه دوم حزب

طرح تازه برای استقرار صلح در کامپوچیا

نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت - شوروی - چین، آمریکا، فرانسه و انگلستان - در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژانویه در پاریس تشکیل جلسه خواهند داد تا در مورد طرحی که استرالیا برای استقرار صلح در کامپوچیا ارائه داده است، تبادل نظر کنند این طرح پیشنهاد می کند که در

کامپوچیا یک حکومت موقت از سوی سازمان ملل تشکیل شود و از جانب یک نیروی هفت هزار نفره پاسدار صلح مورد حمایت قرار گیرد. این حکومت، به امر خروج کامل نیروهای ویتنامی، برقراری و حفظ آتشبس و انجام انتخابات نظارت خواهد کرد.

در هفته گذشته همچنین اعلام شد که سران کامپوچیایی موفق شدند، حمله خمرهای سرخ به باتامبانگ دومین شهر بزرگ کشور را پس زنند و آنها را به عقب برانند. خمرهای سرخ هواداران رژیم سرنگون شده پل پتاند. آنها در دوران حکومت خود جنایاتی مثال زدنی مرتکب شده اند.

پایان حالت فوق العاده

لی پنگ نخست وزیر چین در یک سخنرانی رادیو تلویزیونی در روز ۱۵ ژانویه پایان حالت فوق العاده در چین را که در ۲۵ ماه مه سال گذشته در یک واکنش خشن نسبت به تظاهرات دانشجویی دامن گستر برقرار شده بود، اعلام کرد. لی پنگ در این سخنرانی با اشاره به تحولات اروپای شرقی تاکید کرد "ما بدون سرگشتگی مسیر سوسیالیسم را پی خواهیم گرفت."

خبرهای کوتاه

- آمریکا دو کشتی جنگی خود را به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر در برابر سواحل کلمبیا مستقر کرده است. در هفته گذشته دولت کلمبیا شدیداً نسبت به این امر اعتراض کرده است. نیروهای هوایی و دریایی کلمبیا با آمریکا عملیات مشترک نخواهند داشت.

- در هفته گذشته یک هیات از چکسلواکی به اسرائیل سفر کرد تا رهگشای از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین چکسلواکی و اسرائیل، که از سال ۱۹۶۷ تاکنون قطع بوده است، باشد.

- رئیس جمهور جدید چکسلواکی واسلاو هاول در اوایل فوریه برای یک دیدار کاری به مسکو سفر خواهد کرد.

- در حزب کمونیست فرانسه انتقاد علیه ژرژ مارش بالا گرفته است. به رهبری حزب و به ویژه ژرژ مارش انتقاد می شود که چرا در گذشته نسبت به رژیم رومانی موضع انتقادی فعالی نداشته اند. مارش که بارها به دعوت چائوشسکو به رومانی سفر کرده و تعطیلات خود را در استراحتگاه های آنجا گذرانده است، اعلام کرده که ما متوجه بودیم که در رومانی اوضاع خوب نیست "اما ما از تمام حقیقتی که اکنون نسبت به آن واقفیم اطلاع نداشتیم".

- تئودور ژیوکوف رهبر سابق حزب و دولت بلغارستان در برابر میز محاکمه قرار خواهد گرفت. یک کمیسیون پارلمان بلغارستان او را متهم به سوء استفاده از قدرت و به مصرف رساندن بودجه دولتی به نفع شخصی و برای انتشار کتابهایش در خارج کرده است.

- دولت آلبانی انجام تظاهرات ضد حکومتی در سه شهر این کشور را تکذیب کرد.

گارباجف:

ادامه ناآرامی‌ها در آذربایجان شوروی

حزب و تعدادی دیگر از کارکنان حزبی را گروگان گرفته‌اند.

آرامش روزهای پیشتر، پس از چند روز تشنج که گزارش آن در شماره پیشین "اکثریت" آمده است، تا اندازه‌ای در اثر پیشرفت مذاکرات بین دو نماینده ویژه حزب کمونیست شوروی با نمایندگان "جبهه خلق جمهوری خود مختار نخجوان" حاصل شده بود. در جریان این مذاکرات نمایندگان حزب کمونیست شوروی تأیید کردند که مسافرت مردم دو آذربایجان ایران و شوروی به نزد یکدیگر، باید تسهیل شود.

از سویی دیگر هلیرفم اخطار شوروی به جمهوری اسلامی نسبت به مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی شوروی، در روزهای اخیر نیز جمهوری اسلامی همچنین به تبلیغات خود در تشویق همه جانبه حرکات فوق‌الذکر ادامه داد.

پس از چند روز آرامش در آذربایجان شوروی و در جمهوری خود مختار نخجوان، در خلال چند روز اخیر ناآرامی‌ها مجدداً شدت گرفته‌اند. بنابه خبر روز جمعه ۱۲ ژانویه روزنامه ایروستیا، در روزهای اخیر در شهر لنکران واقع در ساحل دریای خزر در نزدیکی ایران، شورش‌هایی درگرفته‌اند. در این جریانات "جبهه خلق آذربایجان" قدرت را به دست گرفته و رهبری محلی حزب را از ارگان‌های قدرت بیرون کرده است. بنابه همین گزارش، در باکو نیز مرتباً تظاهراتی برپا شده است. خواست تظاهرکنندگان برکناری مقامات محلی است زیرا "این مقامات نتوانسته‌اند مسئله قره‌باغ را حل کنند."

همچنین به گزارش روزنامه کلتر اشتات آنتسایگر در جریان تظاهراتی در ناحیه شائومیان هدهای از اهالی این ناحیه رئیس

استقلال جمهوری‌های شوروی در چارچوب یک فدراسیون



میخائیل گارباجف در یک بحث خیابانی در ویلنا مرکز لیتوانی

ا اعلام کرد که خود طرفدار "استقلال جمهوری‌های شوروی است، اما در چارچوب یک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جدید."

او خواست استقلال را طبیعی دانست اما تأکید کرد که باید در چارچوب یک فدراسیون تحقق پذیرد. او اعلام کرد که اگر پارلمان لیتوانی جدایی از اتحاد شوروی را به تصویب برساند یک وضعیت بحرانی پدید خواهد آمد. گارباجف گفت: "مافال معینی، احساسات طبیعی ملی افراد را مورد سوءاستفاده قرار داده و می‌کوشند یک الگوی غیر واقعی را به مردم تحمیل کنند."

در هفته گذشته میخائیل گارباجف رئیس دولت و حزب کمونیست در اتحاد شوروی به لیتوانی سفر کرد تا حزب کمونیست این جمهوری را از جدایی از حزب کمونیست اتحاد شوروی بازدارد و به مردم لیتوانی لزوم همبسته بودن با شوروی را توضیح دهد. او در این سفر با انتشار مختلف مردم و رهبری حزب کمونیست لیتوانی دیدار و گفتگو کرد.

گارباجف در ویلنا مرکز لیتوانی تأکید کرد که جدایی طلبی به ضرر همه است، در محدوده یک جمهوری باقی نخواهد ماند و روند نو سازی را تخریب خواهد کرد. او

تجهیز عراق به تکنولوژی هسته‌ای

توسط طبرخی انحصارات آلمان فدرال

طریق معاملات پنهانی به سلاح‌های اتمی مجهز شده است. بنا به گزارش مجله اشپیگل، کارشناسان اتمی آلمان فدرال که به مدارک سری دسترسی دارند، در این زمینه اطلاعات پرارزشی در اختیار عراق قرار داده‌اند.

عراقیها از طریق شرکت "آویبارس" برزیل توسط یک فرد آلمانی با شرکت‌های آلمانی و بویژه با شرکت H+H تماس برقرار کرده و وارد معاملات پنهانی شده‌اند. عراق در سالهای آخر جنگ با ایران از طریق این شرکت به تسلیحات مختلف از جمله بدنه موشک مجهز شده است. رژیم عراق متجاوز از بقیه در صحنه

مجله اشپیگل چاپ آلمان غربی در شماره ۱۸/۵۱ دسامبر خود طی مقاله‌ای از معاملات پنهانی شرکت H+Hmetalform در اشتاین فورت پرده برداشته است. این شرکت ظاهراً ظرف دو سال گذشته، دستگاههایی به عراق صادر کرده است که توسط آنها می‌توان به گازها، نیروی فوق‌العاده گریز از مرکز داد و نوع ۹۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ تقلیل شده تولید کرد که عنصر اصلی بمب اتمی به شمار می‌رود.

صاحبان شرکت فوق‌الذکر تا کنون همه صادرات غیر قانونی خود به عراق را مخفیانه انجام داده‌اند. پاکستان نیز توسط این شرکت از

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی

پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "کار"
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ "	۲۱ "		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اکثریت"
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ "	۵۲ "		☐ يك ساله
۱۱۵ "	۱۰۲ "		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 289

MONDAY, 15. Jan 90

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید